

بنام خالق هستی

بی شک اختلاط زن و مرد نامحرم بدون رعایت حدود شرعی برخلاف فرهنگ دینی و اعتقادی ماست و پشت پا زدن به پیمان هایی است که با خدا بسته ایم، متعهد شده ایم که فقط او را بپرستیم ، برخلاف قانون او رفتار نکنیم و در برابر امر و نهی خدا تسلیم باشیم ، « اوفوا بعهده الله » ((به عهدهی که با خدا بستید وفا کنید)).

مسئله اختلاط و انفکاک محیطهای زنانه و مردانه نیز از مسائل اجتماعی مهمی است که بسیاری از فرهنگ ها به آن توجه و آن را تحلیل کرده اند ، ولی در بعضی از فرهنگ ها به زیر ساخت ها و خاستگاه ها توجه خاصی مبذول شده است.

قبل از بیان محدوده و احکام اختلاط و ارائه راهکارهای عملی برای آن ، باید به این نکته توجه کرد که در جامعه ، ارتباط زن و مرد به شکل عام، مواردی چون روابط شغلی ، خانوادگی و تحصیلی را در برمی گیرد و حدود و ثغور عرفی و قانونی برای آن تدوین شده است. پیش از طرح و بررسی دیدگاه ها، پیشاپیش به صورت کلی این حقیقت را متذکر می شویم که اسلام ضمن محترم شمردن حقوق انسانی، به عناصر اخلاقی ، امنیت فکری ، روح عفاف ، تقوا و مشارکت مرد و زن در میدان مسابقه معنویات ، توجه کامل کرده است. اولویت تفکیک محیطهای زنانه از مردانه در شرایط خاص و توصیه به کاهش اختلاط زن و مرد در اماکن عمومی (در صورتی که امر اهمی ضایع نشود)، از مسائلی است که روح معارف اسلام و سیره عملی پیامبر(ص) آن را تأکید و تقریر می کند. هدف اسلام ، احترام به حقایق تکوینی است که موجبات تکامل زن و مرد را فراهم می آورد، البته روح پوشش حجاب ، کنترل رفتار و رعایت وقار و متانت ، تنها به

پوشش ظاهری خلاصه نمی شود، بلکه حتی در نوع معاشرت و برخوردهای ظاهری ، حیا اقتضا می کند که تا حد امکان این انفکاک مراعات شود. این انفکاک از نظر اسلام حرمت بخشیدن انسان و حفظ حریم شخصیت اوست. چنانکه خداوند در بیان حکمت حکم حجاب می فرماید: «ذلکم لقلوبکم و قلوبهن وان يستعففن خیر لهن» که دلالت می کنند که هر اندازه مرد و زن جانب ستر و پوشش و ترک برخوردهای غیرضروری در محیطهای اجتماعی را رعایت کنند، به تقوا و پاکی نزدیکتر است.

بررسی نظریه ها و دیدگاه ها

در باره ارتباط یا عدم ارتباط زنان و مردان ، دیدگاه های متعددی وجود دارد، اما ما به اختصار دیدگاه دینی و عرفی خود را بیان می داریم.

ارتباط در حد اعتدال

از دیدگاه اسلام ، ارتباط میان زن و مرد فی نفسه ممنوعیتی ندارد. طبیعی است ، در جامعه ای که معمولاً نیمی از آن را جنس مرد و نیمی دیگر را جنس زن تشکیل می دهد، چاره ای جز ارتباط دو جنس مخالف با همدیگر نیست. به تعبیر دیگر، اجتماع مجموعه ای از زنان و مردان است و قابل تقسیم به جامعه مردان و جامعه زنان نیست.

برحسب دیدگاه اسلام ، زن و مرد باید با نگاه به شخصیت انسانی هم که به طور قطع در روابطی سالم خود را نشان می دهد، در تعاملات اجتماعی حضور یابند.

روابط زن و مرد نامحرم نباید به گونه ای باشد که تمتعات جنسی در آن سهمی داشته باشد.

اسلام در عین اعتقاد به روابط اجتماعی زنان و مردان در چارچوب دین، چالش ها و نقاط خطر و خط قرمز را هم به خوبی مشخص کرده است که به برخی از آنها اشاره می شود.

الف: قرآن

در قرآن در باب پوشش شرعی تحت عنوان حجاب ، خطاب به پیامبر(ص) آمده است:

«ای پیامبر! به همسران و دخترانت و به زنان مؤمنین بگو که جلباب ها(روسری های بلند) خود را به خود نزدیک سازند(یا بر خویش فرو افکنند) این کار برای اینکه شناخته نشوند و مورد اذیت و آزار قرار نگیرند، بهتر است و خدا آمرزنده و مهربان است.»

استاد مطهری در مورد فلسفه حجاب بیان بسیار رسا و زیبایی دارند: « حقیقت امر این است که در مساله پوشش ، سخن در این نیست که آیا زن خوب است پوشیده در اجتماع ظاهر شود یا عریان؟ روح سخن این است که مردان فقط در محیط خانوادگی و در کادر قانون ازدواج و همراه با یک سلسله تعهدات سنگین می توانند از زنان به عنوان همسران قانونی کامجویی کنند. اما در محیط اجتماع، استفاده از زنان بیگانه ممنوع است و زنان نیز از اینکه مردان را در خارج از کانون خانوادگی کامیاب سازند ، به هر صورت ممنوع می باشند که این امر علاوه بر اینکه از جنبه روانی، به بهداشت روانی اجتماع کمک می کند، از جنبه خانوادگی سبب تحکیم روابط افراد خانواده و برقراری صمیمیت کامل بین زوجین می شود و از جنبه اجتماعی موجب استیفای نیروی کار و فعالیت اجتماع می شود و از نظر وضع زن در برابر مرد، سبب می گردد که ارزش زن در برابر مرد بالا رود. فلسفه اینکه پوشش بر زن واجب شده و بر مرد واجب نشده است، این است که میان زن و مرد در این رابطه تفاوت جدی وجود دارد ، زن مظهر جمال و زیبایی و لطافت است ولی مرد مظهر شیفتگی و عشق به زن است، زن در



دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی گلستان
بیمارستان آل جلیل آق قلا



تهیه کننده:

حجه الاسلام والمسلمین حسن مؤیدفر

بیمارستان آل جلیل آق قلا - آذرماه ۹۲

فقهای عظام نیز در فتوای خودنسبت به ارتباط زنان و مردان نامحرم دیدگاه‌هایی مبتنی بر روایات ائمه معصومین(ع) ارائه داده‌اند که ضامن امنیت اخلاقی و اجتماعی در ارتباطات است.

امام خمینی قدس سره می‌نویسد:

«هرکس که نگاه به او حرام است، لمس وی نیز حرام است. بنابراین، جایز نیست که زن و مرد نامحرم همدیگر را لمس نمایند، بلکه اگر به جواز نگاه به وجه و کفین قائل شویم، به جواز لمس آن قائل نخواهیم بود. بنابراین،

بر مرد جایز نیست که با زن نامحرم دست دهد، البته اگر از روی پارچه و لباس باشد، جایز است، ولی احتیاط این است که دست او را نفشرد.»

پیشنهادات جهت رعایت حدود بیان شده در محیط‌های درمانی عبارتند از:

- ۱- در اتاق‌ها زمانی که دو نامحرم در آن حضور دارند باز باشد، تا از هرگونه گمان بیمار و احتمال گناه جلوگیری شود.
- ۲- رعایت حریم زن و مرد در هنگام میل غذا و...
- ۳- رفتار مسئولانه نسبت به رفتار و اخلاق نیروهای پایین دستی و اهتمام بر پیشگیری از هرگونه احتمال اختلاط بیمورد.



ذات خود میل به خود آرایی، خودنمایی و جلوه‌گری دارد و به همین دلیل، تبرج از مختصات زنان است، اما مرد میل به اظهار عشق، دلدادگی و چشم‌چرانی دارد. لذا به زن باید گفت در برابر نامحرمان خود آرایی نکن و خود را در معرض نمایش قرار نده و به مرد باید گفت به چشم‌چرانی نپرداز.

«وقل للمومنات بغضضن من ابصارهن و یحفظن فروجهن ولا یبدین زینتهن الا ماظهر منها و لیضربن بخمرهن علی جیوهن ولا یبدین زینتهن» ((به زنان با ایمان بگو، چشمان خود را از نگاه هوس‌آلود فرو گیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را جز آن مقدار که نمایان است آشکار ننمایند و اطراف روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند تا گردن و سینه با آن پوشانده شود.

ب: روایات

حضرت محمد(ص) می‌فرمایند: شیطان به حضرت موسی(ع) گفت: ای موسی! با زنی که به تو محرم و یا حلال نیست خلوت مکن(تنها مباش)، به خاطر آنکه هیچ مردی با زن نامحرمی خلوت نمی‌کند، مگر اینکه من همراه آن دو هستم. (و خودم شخصاً آن دو را برای گناه و رابطه نامشروع تحریک و وسوسه می‌کنم)

حضرت محمد(ص) می‌فرمایند: کسی که با زن نامحرمی دست بدهد، در روز قیامت در حالی می‌آید که دست‌هایش به گردنش بسته شده است. آنگاه دستور می‌رسد او را به جهنم ببرید. (در صورتی که توبه نکرده باشد)
نتیجه: ارتباط زنان و مردان نامحرم دارای اصول و قواعدی است که عبور از آنها عبور از خط قرمز اسلام و دارای تبعات منفی و خسارت‌بار است.

ج: دیدگاه فقها: